

تحلیل دلایل پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از دیدگاه معلمان (مورد مطالعه: معلمان شهرستان ملکشاهی)

حسن پیری^۱

محمد متی^۲

هادی پیری^۳

فرشته منصوری نیا^۴

چکیده

تحقیق حاضر به روشی کیفی از نوع تحلیل تماتیک و با هدف تحلیل دلایل پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مدارس شهرستان ملکشاهی در استان ایلام از دیدگاه معلمان انجام شد. مدارس مورد مطالعه به سه دسته شهری، روستایی و عشایری تقسیم شدند. برای جمع آوری داده‌ها از ۳۲ مصاحبه نیمه ساختاریافته و از شیوه نمونه گیری مبتنی بر هدف استفاده گردید و با ۳۲ معلم مشغول به تدریس در این مدارس مصاحبه شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز به روش پیاده کردن داده‌ها و تبدیل آنها به متن، تحلیل مصاحبه‌ها و کدگذاری مفاهیم حاصل از این مصاحبه‌ها انجام گرفت. در نهایت نیز این مفاهیم، دسته‌بندی و طبقه‌بندی شدند. سؤالات اصلی تحقیق عبارت بودند از: ۱- دلایل پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ملکشاهی کدامند؟ و ۲- آیا در ارزشیابی تحصیلی به این عوامل اثرگذار و مهم توجه می‌شود یا خیر؟

یافته‌های پژوهش ۵ تم اصلی را نشان دادند: ۱- مداخله گره‌های زمینه‌ای؛ ۲- چالش‌های خانوادگی؛ ۳- معیشت آسیب‌پذیر؛ ۴- بسترهای اجتماعی و فرهنگی و ۵- تم آموزشی. علاوه بر این، ارزشیابی به شیوه کنونی در نظام آموزشی مدارس ابتدایی و صحبت کردن دانش آموزان ملکشاهی به زبان کردی و مسلط نبودن آنها به زبان فارسی، به ویژه در مناطق روستایی و عشایری، از دلایل مؤثر در افت تحصیلی آنها به شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: بسترهای اجتماعی و فرهنگی، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان، شهرستان ملکشاهی.

مقدمه و طرح مسئله

بدون شک پیشرفت هر جامعه‌ای منوط به سرمایه‌گذاری و آموزش نیروی انسانی است و یکی از مهمترین نهادهای مربوط به آموزش نیروی انسانی، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش در هر جامعه‌ای جایگاه والایی دارد؛ بنابراین برانگیختن انگیزه دانش‌آموزان و معلمان به منظور بالابردن کیفیت آموزشی، رسالت مهم دست‌اندرکاران این نهاد مهم می‌باشد؛ به تعبیر دیگر یکی از مهمترین عوامل یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان که نهادها و سازمان‌های مربوط باید به آن توجه کنند، انگیزه است (یانگین ارسنل، ۲۰۱۹: ۱۷). سنجش، بخش جدایی‌ناپذیری از فرایند یاددهی - یادگیری قلمداد می‌شود (عسگری، عمو عموها، ۱۳۹۷: ۶۴) و دانش‌آموزان باید آن را جزئی از فرایند آموزش تلقی کنند. پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، معیاری اساسی برای سنجش نظام آموزشی جامعه تلقی می‌شود که کشف و واکاوی عوامل مهم و مؤثر بر آن از مهمترین دغدغه‌های نظام آموزش و پرورش است و برای آن از سرمایه‌هنگفتی استفاده می‌کند؛ همچنین شناسایی این عوامل، گامی در جهت توسعه پایدار است؛ بنابراین برای پیشرفت نظام آموزشی در اجتماعات شهری و روستایی، تحلیل مؤلفه‌های پیشرفت تحصیلی و ملموس کردن آن برای معلمان و دیگر برنامه‌نویسان تعلیم و تربیت، ضروری است.

بخش عمده‌ای از جمعیت استان ایلام در مناطق روستایی و عشایری سکونت دارند؛ بنابراین لازم است پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان هم در مناطق شهری و هم در مناطق روستایی و عشایری، بخصوص در شهرستان ملکشاهی که موضوع مورد بررسی این پژوهش است، تجزیه و تحلیل شود. چگونگی توزیع امکانات و تجهیزات در مناطق مختلف، بر پیشرفت یا عدم پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است. یکی از نویسندگان^۱ مقاله حاضر با توجه به تجربه زیسته تدریس در مدارس شهرهای دیگر (گیلان، اصفهان و تهران)، همواره برای یادگیری دانش‌آموزان منطقه دغدغه داشته و به مقایسه آنها با دانش‌آموزان شهرهای دیگر پرداخته است. وی همچنین نسبت به بافت فرهنگی منطقه و نقش و اهمیت آن در فرایند یادگیری؛ بخصوص در مورد مسائلی که در شهرهای دیگر کمتر نمود داشته، حساسیت نشان داده است. در گذشته در شهر ملکشاهی مسائل و مشکلات فرهنگی متعددی بین معلمان و دانش‌آموزان، به خاطر نبود «دانش‌زبانی فراگیر» وجود داشته؛ اما امروزه این فاصله فرهنگی بین معلم و دانش‌آموز به دلیل گستردگی استفاده از رسانه‌های اجتماعی کمتر شده است. با این وجود، مقایسه ساحت فرهنگی مدارس در این شهر با شهرهای دیگر استان ایلام تا حدی باعث ایجاد چالش می‌شود. علاوه بر این، آمار مستخرج از اداره آموزش و پرورش شهرستان ملکشاهی، افت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه اول و دوم را در دو سال اخیر نشان می‌دهد که یکی از عوامل مهم آن، همه‌گیری ویروس کووید ۱۹ و سرگردانی دانش‌آموزان و اولیای آنها و نبود برنامه مناسب جایگزین از سوی معلم‌ها بوده است که بر اعتماد به نفس، خودکارآمدی و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان اثر منفی گذاشته است. مورد دیگر که انجام



پژوهش حاضر را ضروری می‌کند این است که تاکنون مطالعه‌ای انجام نشده که پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان را در مناطق روستایی و شهری مقایسه کند.

با توجه به تغییر و تحولات جامعه، باید به بازناندیشی آنچه آموزش و پرورش عرضه می‌کند، بازسازی نهادهای آموزشی برای عرضه آنچه از آنها انتظار می‌رود و بازآفرینی نظام‌های آموزشی پرداخته شود (کافمن و هرمن، ۱۳۹۳: ۲۵). بر این اساس ضرورت دارد در مورد توانایی‌ها، قابلیت‌ها و نقاط ضعف نظام‌های آموزشی مطالعاتی صورت گیرد تا کاستی‌هایی که منجر به عملکرد ضعیف دانش‌آموزان می‌شود شناسایی شوند و اقدام مناسب برای رفع آنها اتخاذ گردد.

شناسایی عوامل مؤثر بر تدریس و یادگیری می‌تواند زمینه‌ساز اخذ تصمیماتی شود که کارایی نظام آموزش و پرورش را بهبود بخشد و زمینه‌های رشد همه‌جانبه آن را فراهم سازد. با این توضیحات می‌توان گفت که مهمترین پرسش‌های تحقیق حاضر عبارتند از:

۱- دلایل پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ملکشاهی کدامند؟

۲- آیا در ارزشیابی تحصیلی به این عوامل اثرگذار و مهم توجه می‌شود یا خیر؟

پیشینه تحقیق

شریف و همکارانش (۱۳۸۵) در پژوهشی به بررسی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که بین میزان آگاهی مدیران مدارس نسبت به مسائل عاطفی - اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، رابطه معناداری وجود دارد و بین مدیران زن و مرد مدارس دوره ابتدایی تنها در مؤلفه‌های ناتوانی در زبان گفتاری و خواندن تفاوت به چشم می‌خورد.

نتایج تحقیق سبحانی‌نژاد و فتحی و اجارگا (۱۳۸۸) با عنوان «راهکارهای توسعه و به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس»، مبین معنادار بودن میانگین کل نظرات پاسخ‌دهندگان در خصوص راهکارهای آموزشی، مدیریتی، ساختاری، اداری، انگیزشی و تفریحی است.

مؤمنی مهمویی و زارعیان (۱۳۸۹) در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که هیچ مبنای نظری پذیرفته‌شده‌ای برای میزان تجربیات اندوخته‌شده به منظور تعیین حداقل الزامات ارزشیابی وجود ندارد و هر نظامی می‌بایست استانداردهای ارزشیابی را بر اساس شرایط خود تعیین کند.

محدث (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «مطالعه تأثیر آزمون‌های مؤسسات آموزش آزاد علمی بر پیشرفت تحصیلی و عوامل روانشناختی مؤثر بر آن»، به بررسی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع پیش‌دانشگاهی در رشته علوم تجربی شهرستان خوی پرداخته است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که بین شرکت در آزمون و عزت نفس دانش‌آموزان، تفاوت جزئی وجود دارد. همچنین بین شرکت در آزمون و پیشرفت تحصیلی، انگیزش پیشرفت، خودکارآمدی و اضطراب امتحان، تفاوت معنی‌داری وجود دارد. آزمون‌ها بر پیشرفت تحصیلی، انگیزش پیشرفت، اضطراب امتحان و خودکارآمدی دانش‌آموزان تأثیرگذار هستند و بر عزت

نفس دانش‌آموزان تأثیرگذار نیستند.

محمودی برام (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «تحلیل عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه»، به بررسی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مناطق روستایی شهرستان کوهرنگ پرداخته است. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد که پیشرفت تحصیلی اکثر افراد مورد بررسی در سطح خوبی ارزیابی شده است. خودکارآمدی تحصیلی، عزت‌نفس، سطح تحصیلات مادر، ساعات مطالعه در طول روز، درآمد خانواده و انگیزش تحصیلی نیز متغیرهای هستند که به ترتیب بیشترین سهم را در تبیین میزان پیشرفت تحصیلی داشته‌اند.

بخت‌آوری (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر ارومیه»، به نتیجه رسید که میزان انتظارات تحصیلی والدین، پیشرفت تحصیلی، اهداف شغلی و خودپنداره تحصیلی بر انگیزه تحصیلی، تأثیر معنی‌داری دارند و میزان تحصیلات والدین، تأثیر معنی‌داری بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان ندارد.

صفری و علی‌دادی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان»، مهمترین نقش مدارس را یاری رساندن به دانش‌آموزان در پیشرفت تحصیلی می‌دانند. به نظر آنان، پیشرفت تحصیلی، توانایی آموخته‌شده فردی در موضوعات آموزشی است که به وسیله آزمون‌های استاندارد شده اندازه‌گیری می‌شود. عوامل مختلفی مانند فقر مالی، فقر فرهنگی، بی‌سوادی و ... نیز در زمینه افت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثرند.

پروانه (۱۴۰۰) نیز در پژوهشی به بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته است. بر اساس نتایج این پژوهش که با روش AHP انجام شده است، عوامل اقتصادی، خانوادگی، فردی و آموزشی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارند.

روسنبوم و راجفورد^۱ (۲۰۰۸) در پژوهشی با عنوان «الگوی نسلی در پیشرفت تحصیلی»، به بررسی زندگی خانوادگی و مدرسه‌ای و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پایه دهم پرداختند تا تفاوت‌های نسلی در نمرات ریاضی و خواندن را مشخص سازند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که مهاجران پیش‌دبستانی از نسل سوم و نسل دوم، هم در ریاضی و هم در خواندن بهتر عمل می‌کنند و همه فرزندان مهاجران از انتظارات بسیار بالای والدین بهره‌مند هستند. نسل سوم نیز بهتر اجتماعی می‌شوند و نسبت به مدرسه نسبتاً بی‌تفاوت هستند.

ترنی و مک‌لانهان^۲ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان «پیامدهای تحصیلی ناشی از رفتارهای مشکل‌ساز دوران کودکی»، به بررسی مشکلات قبل از ورود دانش‌آموزان به مدرسه پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان می‌دهد که مهارت‌های اجتماعی - عاطفی ضعیف در دوران کودکی در رشد مهارت‌های شناختی اختلال ایجاد می‌کند؛ در واقع مشکلات برون‌سازی در سن ۳ سالگی و مشکلات حواس در ۵ سالگی، با رشد شناختی ضعیف در ارتباط هستند.

در خصوص عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، مطالعات متعددی در داخل و

1. Rosenbaum & Rochford

2. Turney & McLanahan



خارج از ایران انجام شده است. مرور پیشینه پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که طیف وسیعی از این مطالعات، عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی را گاه به صورت تعیین‌کننده و مستقل و گاه به صورت تأثیرپذیر و وابسته مورد مطالعه قرار داده‌اند و اغلب با روش با روش پیمایش به بررسی تأثیر آگاهی مدیران مدارس، فناوری اطلاعات و ارتباطات، استانداردهای ارزشیابی، عزت نفس دانش‌آموزان، سطح تحصیلات مادر، ساعات مطالعه در طول روز، میزان انتظارات تحصیلی والدین و آزمون‌های استاندارد شده بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته‌اند. در پژوهش‌های خارجی نیز الگوهای نسلی، فرزندان مهاجران و رفتارهای مشکل‌ساز دوران کودکی و نسبت آنها با پیشرفت تحصیلی بررسی شده است. جنبه نوآوری پژوهش حاضر، که با روش کیفی و به صورت عمیق انجام شده است، در توجه همزمان به عوامل اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و پیشینه خانوادگی دانش‌آموزان است تا دیدگاهی جامع‌تر به موضوع مورد بررسی داشته باشد.

چارچوب مفهومی تحقیق

در مطالعات کیفی به منظور حساس شدن به مفاهیم و نه لزوماً نظریه‌آزمایی، می‌توان از برخی مفاهیم مرتبط با نظریه‌های موجود بهره‌مند شد. در این پژوهش نیز با توجه به اصل «حساسیت نظری»^۱، از برخی مفاهیم مهم مرتبط با پیشرفت تحصیلی و توسعه انسانی استفاده شده است.

به زعم میلز گابیه (۱۳۹۳: ۲۸۱)، دو دسته مؤلفه اصلی برای یادگیری دانش‌آموزان وجود دارد: شرایط درونی و شرایط بیرونی. شرایط درونی یا مراحل یادگیری، فرایندی است که در هنگام یادگیری در درون یادگیرنده جریان می‌یابد. شرایط بیرونی یادگیری یا رویدادهای آموزشی نیز موقعیت‌های هستند که به وسیله معلم یا مربی فراهم می‌شوند تا یادگیرنده بتواند به وسیله آنها مراحل یادگیری را بگذراند. به اعتقاد بلوم (۱۹۸۲) اگر میزان تسلط دانش‌آموزان بر پیش‌نیازهای مربوط به یادگیری، میزان انگیزه آنان برای یادگیری و میزان تناسب روش آموزشی با شرایط و ویژگی‌های آنان مورد توجه دست‌اندرکاران قرار گیرد، زمینه یادگیری در مدارس به بهترین شکل فراهم می‌شود (رضایی، ۱۳۹۳: ۱۵۱).

به نظر کرانسور و دنهام (۲۰۰۸)، مهارت‌های اجتماعی - عاطفی در دوران کودکی شامل دو وظیفه در ارتباط با رشد است: تداوم تعامل مثبت با همسالان و تنظیم احساسات و بیان. برخی از مهارت‌های اجتماعی - عاطفی، مانند نشاط یا وظیفه‌شناسی، در طول زمان، ذاتی و پایدار در نظر گرفته می‌شوند؛ در حالی که برخی دیگر، مانند خجالتی بودن یا پرخاشگری، انعطاف‌پذیرتر و مستعد تأثیرات اجتماعی هستند (ترنی و مک‌لاناها، ۲۰۱۵: ۱۳۲). گزنالس و دیگران^۲ (۲۰۰۲) متغیر خانواده، فاروق و دیگران (۲۰۱۱: ۴) و آچارایا و جشی (۲۰۲۰:

1. Theoretical sensitivity

2. Gonzalez et al

۳۰۶) تحصیلات خانوادگی و موبه‌را و اسین^۱ (۲۰۲۳: ۷۳) جنسیت، پیشینه خانوادگی و انگیزه دانش‌آموزان را از مهمترین عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دانسته‌اند.

از رویکردهای مهم و مرتبط با این پژوهش می‌توان به رویکرد توسعه، از جمله توسعه انسانی اشاره کرد. ظهور الگوی توسعه انسانی که زیربنای چارچوب مفهومی آمارتیا سن^۲ (۱۹۹۹) است، درک موجود از فقر و توسعه را گسترش داد. این رویکرد، کاهش فقر متمرکز بر انسان را در مرکز برنامه‌های توسعه جهانی قرار داده است (مک‌کی^۳، ۲۰۱۲: ۸۵). از مفاهیم مرتبط با توسعه انسانی، عدالت و برابری است که همواره در حوزه آموزشی مورد بحث بوده است. برابری فرصت‌های آموزشی، به‌ویژه در مناطق محروم، باعث تحرک اجتماعی در بین دانش‌آموزان می‌شود و برای آنها فضایی را فراهم می‌سازد که از این طریق مسیر زندگی خود را برای آینده ترسیم کنند. نابرابری آموزشی نیز ارتباط تنگاتنگی با فقر دارد. وقتی فقر با نابرابری آموزشی ترکیب شود، نتیجه آن شکست استعدادهای انسان است. در جوامعی که دانش‌آموزانش با محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی شدید زندگی می‌کنند، فرصت تحصیلی مناسب و ورود به دانشگاه می‌تواند به مثابه فضای تنفسی ایفای نقش کند و برای آنها تحرک اجتماعی و زندگی بهتر به ارمغان بیاورد.

یکی از متفکرانی که به طور عمیق در ارتباط با زبان، پژوهش تجربی انجام داده و آن را به طبقه اجتماعی و فرهنگ مرتبط دانسته، پیر بوردیو است. به اعتقاد او، هر نوع نظام نشانه‌شناسی و نظام نمادینی بر مبنای الگوهای طبقه‌بندی شکل می‌گیرد و به همین سان، محصولات فرهنگی و نمادین بر اساس نظام طبقه‌بندی ماهیت پیدا می‌کنند. از این لحاظ زبان به عنوان یک نظام نشانه‌شناختی در ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ تعریف می‌شود (خوراسگانی و خوش‌آمدی، ۱۳۸۹: ۱۵۷). طبقه‌بندی‌های بوردیو در ارتباط با قدرت تعریف می‌شوند. روابط زبانی در درون روابط قدرت تنیده می‌شود؛ زبان سلطه می‌کند و خود نیز سلطه می‌پذیرد؛ در واقع زبان معانی نظام نمادین افراد در رأس قدرت بر دیگر افراد جامعه تحمیل می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۸: ۱۶۰). باسیل برنشتاین^۴ نیز به بازتولید فرهنگی و زبانی؛ به‌ویژه زبان‌شناسی آموزش و پرورش می‌پردازد. به اعتقاد او، مسائل فرهنگی در طبقات اجتماعی‌ای که فرد در آن قرار دارد، خود را نشان می‌دهد (عارفی، ۲۰۰۸: ۹۹)؛ به عبارت دیگر، افرادی که در طبقات مختلف جامعه‌پذیر می‌شوند، عملکرد اجتماعی خود را در گفتار و حرکت‌های بدنی و کنش‌ها نشان می‌دهند (خینلی و دیگران^۵، ۲۰۲۲: ۴۳). به اعتقاد برنشتاین طبقه اجتماعی ابتدا بر ساختار خانواده؛ سپس بر ساختار زبانی فرزند تأثیر می‌گذارد و قواعد و محدودیت‌های زبانی او را تعیین می‌کند (علی‌سلیمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۸). کدهای ارتباط زبانی در کودکان طبقات مختلف، روابط قدرت، طبقه موجود و تقسیم‌بندی اجتماعی کار، خانواده و مدارس را نشان می‌دهد؛ در واقع ساختار خانواده و موقعیت طبقاتی آن، مؤلفه اصلی تعیین‌کننده قواعد زبان‌شناختی است (برنشتاین، ۱۹۷۱؛ به نقل از شارع‌پور، ۱۴۰۱: ۲۵۰). تفاوتی که در کیفیت استفاده از واژگان وجود دارد، از روابط خانوادگی، گروه‌های همسالان، مدرسه و جامعه برمی‌خیزد (علاقه‌بند، ۱۳۸۸: ۱۸۸). برنشتاین بر این اعتقاد است که

1. Muberra & Esin

2. Sen

3. Mackie

4. Basil bernstein

5. Xinlei et al



رمزگفتاری افراد طبقه متوسط، انعطاف پذیرتر، جامع تر و رهایی از بافت و زمینه است؛ برخلاف رمزگفتاری کودکان طبقه پایین که معمولاً خشن، اختصاصی و وابسته به بافت و زمینه است (عارفی، ۱۳۸۲: ۶۰). بر این اساس او، بر دو کد زبانی تأکید دارد: کد زبانی محدود و کد زبانی فراگیر (علی سلیمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۹). کودکان طبقه متوسط و بالا برخلاف طبقه پایین، به دلیل آشنایی با رمزگفتارهای زبانی مدرسه، عملکرد تحصیلی بهتری دارند و از توانایی بیشتری برای بهرمندی از آموزش رسمی برخوردار هستند و با محیط رسمی مدرسه در کمترین زمان سازگار می‌شوند (شارع‌پور، ۱۴۰۱: ۲۵۶).

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر به روشی کیفی از نوع تحلیل تماتیک انجام شده است. محققان به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده کرده‌اند. در این نوع مصاحبه، سؤالات از قبل طراحی می‌شوند و محقق قبل از مصاحبه، لیست نکات و موضوعاتی که قرار است مورد سؤال واقع شوند را آماده می‌کند. از خلال پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان نیز سؤالات جدیدی طرح می‌گردد و به تفحص بیشتری در پاسخ‌های آنها پرداخته می‌شود؛ در واقع مصاحبه‌گر فهرستی از سؤالات دارد؛ اما تا حدی اجازه دارد از مسیر خود خارج شود و سؤالات مرتبط جدیدی را پرسد تا به یافته جدیدی دست یابد.

در پژوهش حاضر از روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف استفاده شد. در این نمونه‌گیری، محقق معمولاً بر مبنای اینکه چه نوع اطلاعات خاصی در پی یافته‌های اولیه مورد نیاز است، نمونه‌هایی را انتخاب می‌کند (حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۴). نمونه این مطالعه، به صورت هدفمند از بین معلمان مدارس ابتدایی در شهرستان ملکشاهی که همگی بومی منطقه و مطلعان خوبی به شمار می‌رفتند، انتخاب شد. با توجه به اینکه نویسندگان مقاله خود از معلمان این شهرستان هستند، گردآوری داده‌ها و مصاحبه با سهولت بیشتری انجام گرفت. تمامی مدارس ابتدایی شهرستان ملکشاهی (۷ مدرسه شهری، ۱۶ مدرسه روستایی و ۱۲ مدرسه عشایری) به عنوان میدان مطالعه انتخاب شدند؛ بنابراین از نمونه‌گیری هدفمند با حداکثر اختلاف در این پژوهش استفاده شد؛ به عبارت دیگر، از معلمان مدارس دخترانه و پسرانه شهری، روستایی و عشایری مصاحبه به عمل آمد. اشباع داده‌ها رویکردی است که در پژوهش‌های کیفی برای تعیین کفایت نمونه‌گیری از آن استفاده می‌شود. با انجام ۳۲ مصاحبه، اشباع داده به انجام رسید.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز پیاده‌کردن داده‌ها و تبدیل آنها به متن، تحلیل مصاحبه‌ها و کدگذاری مفاهیم حاصل از این مصاحبه‌ها بود که در نهایت محققان به دسته‌بندی و طبقه‌بندی این مفاهیم پرداختند. در این پژوهش از تکنیک‌های «قابلیت تصدیق» به واسطه حضور محقق در میدان تحقیق، «انجام و استخراج دقیق مصاحبه‌ها» و «بهره‌گیری از نظر برخی کارشناسان دیگر» به منظور افزایش اعتبار استفاده گردید و چون روش کیفی است، به جای روایی از قابلیت اطمینان یا اعتماد داده‌ها بهره گرفته شد.

یافته‌های توصیفی تحقیق

شهرستان ارکواز ملکشاهی در قسمت جنوب شرقی استان ایلام واقع است و جمعیتی بالغ بر ۱۶۰۰۰ نفر، وسعتی بالغ بر ۲۸۴ هکتار و آب و هوایی مطبوع و کوهستانی دارد. نظام اجتماعی بر اساس خویشاوندی استوار است. ۷ مدرسه شهری، ۱۲ مدرسه روستایی و ۱۶ مدرسه عشایری در مقطع ابتدایی در شهرستان ملکشاهی وجود دارند. در جدول زیر مشخصات مصاحبه‌شوندگان آمده است.

جدول شماره (۱). مشخصات مصاحبه‌شوندگان

کد	سن	جنسیت	رشته تحصیلی	میزان تحصیلات	سنوات (به سال)	پایه تدریس
۱	۳۱	مرد	آموزش ابتدایی	لیسانس	۲	سوم
۲	۳۲	زن	آموزش ابتدایی	لیسانس	۶	ششم
۳	۲۷	مرد	مطالعات اجتماعی	لیسانس	۴	دوم
۴	۲۸	زن	مطالعات اجتماعی	لیسانس	۴	چهارم
۵	۲۹	زن	روانشناسی	فوق لیسانس	۳	اول
۶	۲۹	مرد	آموزش ابتدایی	لیسانس	۳	پنجم
۷	۳۵	زن	روانشناسی	فوق لیسانس	۷	اول
۸	۴۶	مرد	آموزش ابتدایی	لیسانس	۱۰	چهارم
۹	۲۵	مرد	آموزش ابتدایی	لیسانس	۲	دوم
۱۰	۳۲	زن	علوم تربیتی	لیسانس	۵	اول
۱۱	۳۹	زن	مطالعات اجتماعی	لیسانس	۸	ششم
۱۲	۲۵	زن	آموزش ابتدایی	لیسانس	۴	دوم
۱۳	۳۷	زن	آموزش ابتدایی	لیسانس	۱۲	چهارم
۱۴	۳۸	مرد	آموزش ابتدایی	لیسانس	۱۵	سوم
۱۵	۳۳	مرد	مدیریت آموزشی	فوق لیسانس	۱۰	پنجم
۱۶	۳۴	زن	مدیریت آموزشی	فوق لیسانس	۱۱	اول
۱۷	۳۱	زن	مطالعات اجتماعی	لیسانس	۸	چهارم
۱۸	۳۸	مرد	آموزش ابتدایی	فوق دیپلم	۱۶	دوم
۱۹	۲۸	مرد	مطالعات اجتماعی	لیسانس	۲	سوم
۲۰	۲۸	زن	آموزش ابتدایی	لیسانس	۳	ششم
۲۱	۲۶	مرد	آموزش ابتدایی	لیسانس	۳	دوم
۲۲	۲۹	مرد	آموزش ابتدایی	لیسانس	۵	چهارم
۲۳	۳۴	زن	آموزش ابتدایی	لیسانس	۷	اول
۲۴	۴۴	زن	علوم اجتماعی	لیسانس	۲۵	پنجم
۲۵	۲۶	زن	آموزش ابتدایی	لیسانس	۵	اول
۲۶	۳۲	مرد	زبان انگلیسی	لیسانس	۷	چهارم
۲۷	۴۶	زن	آموزش ابتدایی	فوق دیپلم	۲۸	دوم
۲۸	۲۵	زن	علوم تربیتی	لیسانس	۲	سوم
۲۹	۴۴	مرد	آموزش ابتدایی	فوق دیپلم	۲۶	ششم
۳۰	۳۸	مرد	آموزش ابتدایی	لیسانس	۲۰	دوم
۳۱	۳۶	مرد	آموزش ابتدایی	لیسانس	۱۴	چهارم
۳۲	۳۳	مرد	تربیت بدنی	فوق لیسانس	۶	اول



یافته‌های تحلیلی تحقیق

همانطور که پیش از این گفته شد، محققان پس از جمع‌آوری داده‌ها به تجزیه و تحلیل آنها پرداختند. تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی با روش تحلیل تماتیک صورت گرفت و داده‌ها خط به خط خوانده شدند و کدگذاری گردیدند. کدها نیز در دسته‌های بزرگتر به نام تم دسته‌بندی شدند. بر این اساس داده‌ها از دل مصاحبه‌ها شناسایی شدند و کدها، که ویژگی مهم داده‌ها را شناسایی می‌کنند، استخراج گردیدند. در کل ۱۶۰ کد اولیه، ۱۶ کد فرعی و ۵ تم فراگیر یا اصلی استخراج شد؛ به عبارت دیگر، تجزیه و تحلیل داده‌ها حاکی از وجود پنج تم اصلی (عوامل فردی، خانوادگی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و آموزشی) بود که بر پیشرفت تحصیلی کم یا زیاد دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان ملکشاهی اثرگذار بوده‌اند. در زیر به بررسی و تبیین هریک از آنها پرداخته می‌شود.

* مداخله‌گرهای زمینه‌ای

افراد نه تنها از نظر ویژگی‌های جسمی؛ بلکه از نظر خصوصیت‌های شخصیتی، همانند هوش، استعداد و انگیزه نیز با هم تفاوت دارند. یافته‌های پژوهش نیز هوش و سلامت جسمی را از جمله عوامل فردی نشان داد که بر کیفیت تدریس و یادگیری در جامعه مورد نظر، اثر گذاشته بود.

الف) اختلال یادگیری و تمرکز ذهنی: هوش و استعداد ذهنی از جمله عواملی است که با سطح یادگیری دانش‌آموز رابطه دارد. برخی از شرکت‌کنندگان در تحقیق اذعان داشتند که سطح هوش دانش‌آموزان یک کلاس بسیار متفاوت است؛ در نتیجه ممکن است اختصاص میزان زمان برای یادگیری آنها نیز متفاوت باشد. هدررفتن «زمان» برای دانش‌آموزان باهوش‌تر پدیده‌ای رایج است. نقل قول زیر از مشارکت‌کننده شماره ۵ گویای این امر است:

«شاید یک سوم کلاس‌هایی که تا حالا برداشتم، دانش‌آموزان باهوشی داشته که بعضی وقت‌ها در درس‌ساز هم میشه، به خاطر اینکه اونا زودتر تکالیفشون رو انجام میدن و بعدش آروم و قرار ندارن».

یعنی معلم به جای آنکه بتواند دانش‌آموزان باهوش‌تر را با مسائل بیشتری آشنا کند، در تلاش برای یادگیری همان مطلب به دانش‌آموزان دیگر است که در این صورت دانش‌آموز باهوش بیکار می‌ماند و مجبور می‌شود وقت خود را به بطالت بگذراند.

ب) سلامت جسمی: سلامت جسمی دانش‌آموزان در یادگیری و عملکرد تحصیلی آنان نقش مؤثری دارد. در بسیاری از موارد اختلال در سلامت موجب عقب‌ماندگی تحصیلی و حتی ناسازگاری دانش‌آموز با دانش‌آموزان دیگر یا با معلم می‌شود. یکی از مواردی که معلمان بر آن تأکید داشتند مشکلات تغذیه در بین دانش‌آموزان ابتدایی بود. سوء تغذیه، بخصوص در میان دانش‌آموزان روستایی و عشایری موضوعی است که قطعاً بر فرایند یادگیری و کیفیت

آن اثر می‌گذارد.

مشارکت‌کننده شماره ۸: «خیلی‌ها هم هستند که صبحانه نمی‌خورن و خانواده‌هاشون همین جوری می‌فرستشون مدرسه. معلومه که چیزی یاد نمی‌گیرن».

نبود محلی مناسب همانند بوفه در داخل مدرسه برای فروش مواد خوراکی مناسب و بهداشتی به دانش‌آموز نیز مشکل را چند برابر می‌کند.

جدول شماره (۲). مفاهیم تشکیل‌دهنده مداخله‌گرهای زمینه‌ای

اختلال یادگیری و تمرکز ذهنی	سلامت جسمی
هوش و استعداد ذهنی، تناسب تمرکز ذهنی با صرف زمان، هدر رفتن زمان برای استعدادهای برتر، عدم کارایی سنجش پیش از ورود به کلاس اول، اختلاط معلولان ذهنی با صاحبان ذهن‌های عادی، فراهم نبودن امکان اختصاص زمان بیشتر برای توجه به دانش‌آموزان کندذهن، حواس‌پرتی دانش‌آموزان، استفاده از تلفن همراه، ارتباط ضعیف با فرایند آموزشی به دلیل ساختار زبانی ساده	ارتباط نداشتن با دانش‌آموزان و معلمان به دلیل اختلال در سلامت جسمی، عقب‌افتادگی تحصیلی، سوء تغذیه میان دانش‌آموزان روستایی، نبود بوفه مناسب برای توزیع خوراکی بهداشتی، نبود تناسب میان تعداد دانش‌آموزان با تعداد دستشویی‌ها، نبود تناسب میان تعداد دانش‌آموزان با تعداد آبخوری‌ها

* چالش‌های خانوادگی

خانواده را می‌توان نخستین و از مهمترین نهادهای موجود برای ارتقای توانایی فرد در زمینه‌های گوناگون دانست. بر اساس نظریه آچارایا و جشی (۲۰۲۰: ۳۰۸)، شرایط خانوادگی به طور مستقیم بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارند؛ اگر خانواده از تحصیلات و سرمایه فرهنگی بالایی برخوردار باشد بدون شک بر بهبود عملکرد تحصیلی فرزند نیز اثر مثبتی دارد و بالعکس. زمانی تحصیلات والدین مشکل‌ساز خواهد بود که توانایی کمک به فرزندان خود را نداشته باشند و این باعث افت تحصیلی و کاهش یادگیری آنها در کلاس شود؛ هرچند بسیاری از خانواده‌ها به دلیل مشغله زیاد، وقت لازم را به منظور کمک به فرزندان‌شان ندارند؛ در حالی که در نظام جدید تدریس، یکی از شرط‌های موفقیت دانش‌آموزان، کار بیشتر والدین و اعضای خانواده با آنهاست.

مشارکت‌کننده شماره ۲۸: «دانش‌آموزانی هم دارم که وضعیت مالیشون خوبه؛ یعنی پدره نمایشگاه ماشین داره، مادره خیاطه؛ ولی خب این دلیل بر زرنگی یا تنبلی دانش‌آموز نمی‌شه. چون اینا از بس مشغول کارن، فراموش کردن بچشون دانش‌آموزه و باید باهاش کار کنن که از درس عقب نیفته».

پیگیری نکردن والدین و حاضر نشدن آنها در جلسات انجمن اولیا و مربیان، از موضوعاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد. شرکت والدین در این جلسات با هدف ارائه راهکارها، بیان مشکلات دانش‌آموزان و پیگیری وضعیت تحصیلی آنان بسیار مفید است.



جدول شماره (۳). مفاهیم تشکیل دهنده چالش‌های خانواده

چالش‌های خانواده
تحصیلات والدین، رابطه متقابل کم‌سواد والدین با افت تحصیلی دانش‌آموز، کمک نکردن والدین در حل مسائل، نقش معلمی والدین، تخصیص ندادن زمان مناسب برای دانش‌آموز توسط والدین، حاضر نشدن در جلسات انجمن اولیا و مربیان، پیگیر وضعیت تحصیلی دانش‌آموز نبودن توسط والدین، نبود تعاملات دوطرفه بین والدین و معلمان در مدرسه، برگزاری جلسات انجمن اولیا و مربیان به صورت یک‌طرفه، مشکلات ناشی از طلاق در خانواده، اعتیاد اعضای خانواده، محل سکونت خانواده به‌ویژه در مناطق شهری

* معیشت آسیب‌پذیر

یکی از عواملی که کیفیت یادگیری را تحت تأثیر قرار می‌دهد، فقر است. هزینه‌ها برای خانواده‌هایی که دچار فقر و تنگدستی هستند، فشار بیشتری ایجاد می‌کند و انگیزهٔ آموختن را کاهش می‌دهد. شهرستان ملکشاهی نیز همانند سایر مناطق محروم استان، از مشکل فقر و بیکاری رنج می‌برد. فقر مالی، کار کردن پدر دور از خانواده و گرفتاری‌های مادر ممکن است چنین تصویری را به دانش‌آموزان القا کند که تحصیلات از اهمیت چندانی برخوردار نیست. نقل قول زیر از مشارکت‌کننده شماره ۲۶ گویای معیشت آسیب‌پذیر است:

«اینجا اکثراً یا دامداری می‌کنن یا کشاورزی که درآمد آنچنانی براشون نداره. مجبورن برن شهر اونجا کارگری کنن. بچه‌هاشون که یکشون دانش‌آموز خودمه دچار سوء تغذیه شدن. لباس‌هایی که می‌پوشن، دست‌دومه که مردم بهشون میدن. بیچاره چجوری می‌خواد معدلش بیست باشه».

اندک بودن میزان سرانهٔ مدارس در مناطق شهری و روستایی از دیگر مشکلات اقتصادی است. به دلیل ضعف مالی بسیاری از خانواده‌ها، کمک‌های مردمی به مدارس بسیار ناچیز است؛ در نتیجه مدیران مدارس در تنگنا هستند و بودجه را صرف خرید وسایل ضروری می‌کنند، نه خرید وسایل کمک‌درسی برای دانش‌آموزان. این تم با رویکرد توسعهٔ انسانی همسو است. رهیافت توسعهٔ انسانی شرایط مادی را در نظر می‌گیرد و آن را با تأمین نیازها و خواسته‌ها و کشف پتانسیل‌های جسمی، روحی، بیولوژیکی، فرهنگی، فردی و اجتماعی مرتبط می‌داند. بر مبنای این رویکرد، دولت باید محیطی برابر و عادلانه را در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای ذهنی دانش‌آموزان فراهم سازد تا بتوانند در آینده سرمایهٔ اقتصادی و فرهنگی خود را افزایش دهند.

جدول شماره (۴). مفاهیم تشکیل دهنده معیشت آسیب‌پذیر

معیشت آسیب‌پذیر
فشار ناشی از فقر و افت تحصیلی، فقر ناشی از محرومیت منطقه، کم‌درآمد بودن خانواده، بیکاری والدین، تصور بی‌اهمیت بودن تحصیلات ناشی از محیط خانواده و دوستان، کمبود میزان سرانهٔ مدرسه، کم بودن کمک‌های مردمی، صرف بودجهٔ مدرسه برای وسایل ضروری، تأمین نشدن سرویس ایاب و ذهاب به دلیل فقر خانواده، تحصیلات پایین والدین، شغل‌های کم‌درآمد والدین، زیاد بودن تعداد اعضای خانواده در مناطق روستایی

* بسترهای اجتماعی و فرهنگی

بافت اجتماعی موجود در شهرستان ملکشاهی بر خوبشاوندی و طایفه‌گرایی مبتنی است و این فضا بر عملکرد دانش‌آموزان در مدرسه تأثیرگذار می‌باشد. مشارکت‌کننده شماره ۱۷ در این زمینه چنین گفته است: «برخی از دانش‌آموزان که از فلان طایفه هستند، اعتماد به نفس بالایی دارند؛ چون فکر می‌کنن براشون پرستیژ میاره و همین باعث شده که درس نخونن؛ من فکر می‌کنم که حس می‌کنن نیازی ندارن که شناخته بشن، چون شناخته شده هستن»؛ بنابراین فضای فرهنگی موجود، کمک زیادی به تشویق دانش‌آموز برای یادگیری و موفقیت بیشتر نمی‌کند. این تم را می‌توان به نظریه بوردیو، کرانسور و دنهام مرتبط دانست. در نظریه بوردیو، مهر طبقاتی همواره در اجتماعات مختلف وجود دارد. جامعه بر مبنای طبقات مختلف دسته‌بندی می‌شود و گروه‌هایی که سرمایه اجتماعی و فرهنگی بالاتری دارند، در رأس قدرت هستند و بر گروه‌های پایین حکمرانی می‌کنند. در میدان آموزشی و مدرسه نیز این طبقه‌بندی، قبل از ورود به مدرسه شکل گرفته است و در مدرسه نیز مدام تأیید می‌شود. کرانسور و دنهام نیز بر مهارت‌های اجتماعی - عاطفی در دوران کودکی تأکید می‌کنند که باعث تداوم تعامل مثبت با همسالان و تنظیم احساسات و بیان می‌شود.

جدول شماره (۵). مفاهیم تشکیل‌دهنده بسترهای اجتماعی و فرهنگی

بسترهای اجتماعی و فرهنگی
بافت ایلی منطقه، حاکمیت طایفه‌گرایی، توجه ضعیف بودن عملکرد درسی بر مبنای تعلق طایفه‌ای، تفاوت طبقاتی، مقایسه دانش‌آموزان بر مبنای بستر فرهنگی، الگوهای زبانی، خاستگاه اجتماعی، باز ماندن از تحصیل به دلیل محرومیت اجتماعی، برجسب‌زنی طایفه‌ای در بین دانش‌آموزان.

* شرایط پیش از ورود مدرسه

نبود یا کمبود پیش‌دبستانی در روستاها و سنجش‌های قبل از ورود به مدرسه، از عوامل کاهش‌دهنده آمادگی دانش‌آموزان برای ورود به مدرسه است. برخی از شرکت‌کنندگان در تحقیق اذعان داشتند که آشنا نبودن دانش‌آموزان با زبان فارسی گاهی باعث می‌شود که نتوانند به خوبی به سؤالات پاسخ دهد یا به دلیل ضعف در قدرت بیان به کلی به آنها پاسخ نمی‌دهند. این عامل موجب می‌شود که به اشتباه به کودک برجسب «استثنایی» زده شود که قطعاً بر آینده تحصیلی کودک و یادگیری وی تأثیر خواهد گذاشت. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ به خوبی به این موضوع اشاره کرده است:

«به نظر من مشکل اصلی که بین دانش‌آموزان اینجا وجود داره، بحث زبان است. همه دانش‌آموزان اینجا چه شهر چه روستا، به زبان کردی حرف می‌زنن، بخصوص ابتدایی‌ها که وارد فضای جدید با زبان جدید می‌شن ارتباط برقرار کردن براشون سخته. خیلی از واژگانی که در کتاب‌های درسی هست برای بچه‌ها بیگانه‌ن و حتی معنی‌شون رو نمی‌دونن؛ چه برسه به اینکه بخوان درکش کنن و اونو تو بستر جملات بفهمن».



تم شرایط پیش از ورود به مدرسه را می‌توان به آراء برنشتاین مرتبط دانست. دانش‌آموزان به واسطه زبان، عملکرد اجتماعی خود را در گفتار و حرکات‌های بدنی و کنش‌ها نشان می‌دهند. بر این مبنا کسانی که از طریق کد زبانی فراگیر تحصیل می‌کنند، فرهنگی غنی دارند و در زمینه تحصیلی بازخورد بهتری از خود نشان می‌دهند. دانش‌آموزانی هم با کد زبانی محدود تحصیل می‌کنند، با ساختار تحصیلی و درسی بیگانه‌اند.

جدول شماره (۶). مفاهیم تشکیل‌دهنده شرایط پیش از ورود مدرسه

شرایط پیش از ورود مدرسه
نبودن پیش‌دستانی در مناطق عشایری، اهمیت ندادن به سنجش پیش از ورود به مدرسه، تفاوت زبانی، آشنا نبودن با زبان رسمی در بدو ورود به کلاس، معضلات ناشی از آشنا نبودن با زبان فارسی

* عوامل آموزشی

در تحقیق حاضر، فضای کلاس، کتب و مواد آموزشی، روش تدریس، امکانات و تجهیزات، معلم و ارزشیابی در مدارس از جمله عواملی بودند که در طبقه‌بندی آموزشی قرار گرفتند. از نظریه‌های گانیه (۱۳۹۳) و بلوم (۱۹۸۲) می‌توان برای تحلیل این تم سود جست. شرایط بیرونی که گانیه به آن می‌پردازد، رویدادهای آموزشی و موقعیت‌هایی هستند که به وسیله معلم یا مربی فراهم می‌شوند تا یادگیرنده بتواند به وسیله آن مراحل یادگیری را طی کند. عوامل درونی نیز مبنای کار بلوم است که شامل نظام آموزشی، کیفیت معلمان، برنامه آموزشی و زمان آموزش است.

الف) فضای کلاس: بسیاری از معلمان اظهار داشتند کلاس‌ها از نظر تعداد دانش‌آموز، متراکم و شلوغ هستند؛ در نتیجه برنامه‌های آموزشی به صورت مطلوب و مفید اجرا نمی‌شوند. این امر با تک‌شیفتی شدن همه مدارس در سطح شهر صورتی جدی به خود گرفت است. با افزایش تعداد دانش‌آموزان در کلاس، فرصت مشارکت فعال از آنان سلب خواهد شد؛ معلم نیز فرصت کمی برای بالابردن کیفیت تدریس خواهد داشت.

مشارکت‌کننده شماره ۲۵: «اول باید امکانات و تجهیزات فراهم بشه، بعد پای تدریس به میان بیاد. اینجا تو شهر، نه امکانات آزمایشی درست و حسابی وجود داره، نه کلاس‌ها به تجهیزات جدید مجهز هستن. اگه هر کلاسی یه پروژکتور هم داشته باشه، از فضای خشک سخنرانی کمی کاسته می‌شه و تدریس برای بچه‌ها جذاب‌تر می‌شه».

ب) کتب و مواد آموزشی: بسیاری از معلمان بر این امر صحنه گذاشتند که منابع یادگیری دانش‌آموزان، بخصوص در سطح ابتدایی با فرهنگ موجود در جامعه آنها همخوانی ندارد؛ به عبارت دیگر، کتاب‌های درسی پر از اصطلاحات و پدیده‌های ناآشنا با فرهنگ محلی است؛ بنابراین معلم ناچار است بیشتر وقت را به درس فارسی، به دلیل متفاوت بودن با زبان مادری، اختصاص دهد. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ چنین بیان می‌کند:

«به طور مثال یکی از تأکیده‌های مهم در کتب درسی، عبور از خط عابر پیاده یا رعایت

احترام بزرگترها با جای خود را به بزرگترها دادن یا بلند شدن که در اتوبوس مثال آورده شده است؛ حال آنکه دانش‌آموز عشایری، روستایی یا حتی شهری ممکن است با چنین واقعیت‌های در زندگی روزمره آشنایی نداشته باشن».

ج) روش تدریس: در جامعه مورد مطالعه، تعداد دانش‌آموزان در کلاس و به تبع آن، تراکم کلاس بسیار بالاست؛ در نتیجه معلم صرفاً به عنوان متکلم وحده عمل می‌کند و دانش‌آموزان بیشتر نظاره‌گرند تا شرکت‌کننده‌ای فعال؛ همچنین به دلیل کمبود امکانات و تجهیزات، مطالب جنبه نظری به خود گرفته‌اند و این در حالی است که مثلاً بازدید از موزه یا آثار باستانی موجود در استان، که در فاصله نسبتاً کمی با شهر قرار دارند، می‌تواند جنبه عینی‌تری به مطالب درسی دهد و کیفیت یادگیری را در دانش‌آموز بالا ببرد.

د) امکانات و تجهیزات: این مورد باعث افزایش اثربخشی یادگیری می‌شود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان در تحقیق اذعان داشتند که محتوای درس‌های آموزشی برای دانش‌آموز، بخصوص در مقطع ابتدایی سخت‌تر از قبل شده است؛ چنانکه بسیاری از آزمایش‌ها یا تمرین‌ها، بخصوص در درس علوم، نیازمند امکانات آزمایشگاهی هستند. این در حالی است که در مرکز شهرستان نیز هیچ‌گونه تجهیزات آزمایشگاهی وجود ندارد. یکی از موارد مهم دیگر، نبود مصادیق تکنولوژی و امکانات رایانه‌ای و ورزشی در مدارس است. نبود مشاور متخصص در مدارس جهت برطرف کردن مسائل روحی - روانی دانش‌آموزان (افسردگی، کم‌رویی، انزوا، نداشتن اعتماد به نفس و ...)، یکی دیگر از مشکلات این مدارس است.

ه) ارزشیابی: ارزشیابی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در میان مدارس شهرستان مورد مطالعه بر اساس امتحانات داخلی و گاهی امتحانات نهایی مدارس انجام می‌گیرد؛ البته در مقاطع ابتدایی چند سالی است که دیگر به دانش‌آموزان نمره تعلق نمی‌گیرد و معلم بر اساس چگونگی انجام فعالیت‌ها آنها را ارزیابی می‌کند.

بر اساس دیدگاه مشارکت‌کننده شماره ۲۴: «ارزشیابی فقط در حد یک پوشه که محل نگهداری سؤالات امتحانی دانش‌آموز است لحاظ می‌شود؛ آن هم بر اساس طرح سؤالات قدیم، با این تفاوت که فقط نمره لحاظ نمی‌شود».

در نظام آموزشی به فرایند یادگیری کمتر و به نتیجه آن بیشتر توجه می‌شود. ارزیابی، بخصوص در درس نهایی برای تمامی پایه‌ها متناسب با آیین‌نامه کشوری امتحانات انجام می‌شود، این در حالی است که محیط اجتماعی از جامعه‌ای به جامعه‌ای دیگر متفاوت است؛ به عبارت دیگر، شرایط مدارس عشایری یا روستایی و حتی شهری ممکن است با بسیاری از مدارس موجود در شهرهای دیگر متفاوت باشد. گاهی چنین شرایطی باعث افت تحصیلی و ناامیدی دانش‌آموزان از ادامه تحصیل می‌شود. علاوه بر این، باید ملاک و معیاری برای ارزشیابی معلم‌ها نیز وجود داشته باشد تا از به‌روز بودن دانش آنها اطمینان حاصل شود. همانطور که مشارکت‌کنندگان شماره ۷، ۱۰ و ۱۸ بیان داشتند که:

«قبل از هر چیزی باید به ارزشیابی معلمان پرداخت؛ چنانکه اضافه شدن معلمان نهضت

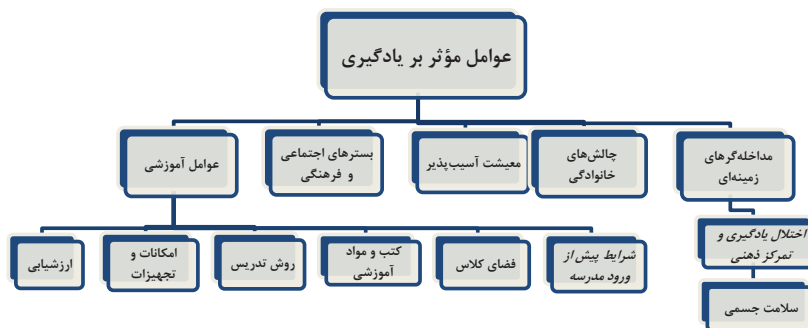


سوادآموزی به نظام آموزش و پرورش، تأثیر چندان مطلوبی بر یادگیری دانش‌آموزان نداشته است؛ چراکه آنها قبل از ورود به نظام آموزش و پرورش، بیشتر بر افراد کهنسال متمرکز بوده‌اند تا کودکان».

جدول شماره (۷). مفاهیم تشکیل‌دهنده عوامل آموزشی

فضای کلاس	کتاب و مواد آموزشی	روش تدریس	امکانات و تجهیزات	ارزشیابی
جمعیت زیاد دانش‌آموزان، تراکم جمعیت کلاس، نامتناسب بودن تعداد دانش‌آموزان با تجهیزات مدرسه، تک‌شیفت بودن مدارس شهری و مشکلات ناشی از آن، پایین آمدن کیفیت تدریس، فضای مناسب برای مشارکت فعال دانش‌آموزان	همخوانی نداشتن محتوای درسی با بافت فرهنگی، آشنایی نداشتن با اصطلاحات و پدیده‌های متفاوت با فرهنگ روستایی و عشایری، انتزاعی بودن بسیاری از مطالب درسی، صرف زمان بیشتر توسط معلم برای آشنا کردن دانش‌آموزان با اصول ابتدایی زندگی، آشنا نبودن دانش‌آموزان با بسیاری از واقعیت‌های زندگی در کلان‌شهرها	مشارکت فعال نداشتن دانش‌آموزان به دلیل تعداد زیاد آنان، متکلم وحده بودن معلم، نظری‌گرایی مطالب درسی، نبود امکانات برای عینیت‌بخشی به محتوای درسی، به‌روز نبودن شیوه‌های تدریس	نبودن تجهیزات آزمایشگاهی در روستاها، قدیمی بودن تجهیزات آزمایشگاهی در شهر، عدم استفاده از تکنولوژی‌های نوین، عدم استفاده از نرم‌افزارهای آموزشی، کمبود امکانات ورزشی، بدون استفاده ماندن پروژکتورها در برخی از مدارس به دلیل عدم آشنایی معلمان با آن	سطحی بودن ارزشیابی کیفی دانش‌آموزان ابتدایی، استفاده از سؤالات و تکالیف قبلی و آماده، طراحی سؤالات بدون توجه به میزان دانش دانش‌آموزان، ارزیابی دانش‌آموزان بدون در نظر گرفتن توان علمی آنان، متناسب نبودن ارزشیابی با ملاک‌های تجربی و عملی

در نمودار زیر به طور خلاصه، عوامل مؤثر بر تدریس و یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی شهرستان ذکر می‌شود.



نمودار (۱). عوامل مؤثر بر فرایند تدریس - یادگیری در مدارس ابتدایی شهرستان ملکشاهی منبع: (یافته‌های تحقیق)

نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عوامل متعددی بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهرستان مورد مطالعه اثرگذار هستند. این عوامل به چندین تم طبقه‌بندی شدند. مؤلفه‌های اختلال یادگیری، تمرکز ذهنی و سلامت جسمی در تم مداخله‌گرهای زمینه‌ای

قرار گرفتند. این تم با یافته‌های محدث (۱۳۹۱)، محمودی برام (۱۳۹۲) و پروانه (۱۴۰۰) همسو بود. چالش‌های خانوادگی همانند میزان تحصیلات والدین، دخالت کردن و درگیر بودن خانواده‌ها در فرایند یادگیری دانش‌آموز که تا حدی به سبک زندگی آنها بستگی دارد؛ همچنین وجود برخی آسیب‌های اجتماعی خاص، همانند اعتیاد در خانواده از عوامل مهم اثرگذار بر فرایند یادگیری به شمار می‌رود. این یافته با یافته‌های گزنالس و همکاران (۲۰۰۲)، روسنبوم و راجفورد (۲۰۰۸)، محمودی برام (۱۳۹۲) و بخت‌آوری (۱۳۹۳)، که بر عواملی همانند تحصیلات والدین و درگیر بودن آنها در جریان یادگیری تأکید داشتند، هماهنگی دارد. سومین دسته، معیشت آسیب‌پذیر (فقر، ضعف مالی خانواده‌ها و اندک بودن سرانه مدرسه برای خرید وسایل کمک آموزشی) بود که با یافته‌های گزنالس و همکاران (۲۰۰۲) و رویکرد توسعه انسانی همسو است. علاوه بر شرایط اقتصادی، بسترهای اجتماعی و فرهنگی نیز همانند بافت اجتماعی، سبک زندگی و گاهی تفاوت‌های طبقاتی، بر کیفیت یادگیری دانش‌آموزان مدارس ابتدایی تأثیرگذارند و این با آراء بوردیو همسو است. عامل آموزشی با زیرمجموعه‌هایی، همانند شرایط پیش از ورود به مدرسه، فضای کلاس، کتب و مواد آموزشی، روش تدریس، امکانات و تجهیزات و ارزشیابی موجود، از عناصر مهم و مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است. این مورد با یافته‌های تورنی و مک‌لانیهان (۲۰۱۵)، شریف و همکاران (۱۳۸۵)، مؤمنی مهمویی و زارعیان (۱۳۸۹)، سبحانی‌نژاد و فتحی و اجارگاه (۱۳۸۸) و صفری و علیدادی (۱۳۹۹) در زمینه عوامل فیزیکی، امکانات و تجهیزات همسو است.

به طور خلاصه می‌توان گفت، خصوصیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در جامعه مورد مطالعه با بسیاری از مناطق دیگر کشورمان و حتی با دیگر شهرستان‌های استان ایلام متفاوت است. شهرستان ملکشاهی به طور کلی، دو طایفه به نام «زوره‌کو» و «هویرده‌کو» دارد که هر دو بافت سنتی و ایلی دارند. در گذشته، زوره‌کو در طبقه اجتماعی بالا و هویرده‌کو در طبقه اجتماعی پایین قرار داشت؛ البته امروزه ارزش‌گذاری بر اساس این طبقه‌بندی بسیار کمرنگ شده است. یکی از ویژگی‌های شهروندان ملکشاهی، آشنا بودن آنان با اوضاع و احوال اجتماعی، فرهنگی و حتی اقتصادی یکدیگر است؛ به گونه‌ای که کنترل اجتماعی شدیدی در شهر حاکم است و این ویژگی در دیگر شهرستان‌های استان ایلام وجود ندارد. همین امر در مواقع بسیاری بین دانش‌آموزان بازخورد منفی داشته است؛ چنانکه به بسیاری از دانش‌آموزان برچسب‌هایی زده می‌شود که سایر دانش‌آموزان از آن آگاهند؛ علاوه بر این، دانش‌آموزانی که در کلاس می‌خواهند فارسی صحبت کنند یا اینکه صحبت کردن به زبان کُردی را نیاموخته‌اند، مورد تمسخر همکلاسی‌های خود قرار می‌گیرند.

در شهرستان ملکشاهی، در محیط‌های غیررسمی، به زبان رسمی کشور (فارسی) تکلم نمی‌شود و بیشتر شهروندان این شهرستان به زبان کُردی صحبت می‌کنند؛ به همین دلیل دانش‌آموزان از قواعد و ساختار زبانی محدودی بهره‌مند هستند و این امر بر سازگاری آنان با محیط مدرسه؛ همچنین بر جریان یادگیری و در نتیجه عملکرد تحصیلی آنان به‌ویژه در مناطق روستایی و عشایری تأثیر گذاشته است. ارزشیابی تحصیلی دانش‌آموزان صرفاً بر



اساس نمره یا فعالیت‌های درسی صورت می‌گیرد؛ در حالی که باید شرایط دیگری که بر عملکرد دانش‌آموز اثرگذارند نیز لحاظ شوند. تحقیق حاضر نیز بر این امر تأکید می‌کند که نظام ارزشیابی در مدارس ابتدایی باید با توجه به شرایط خاص جامعه طراحی گردد و به اجرا درآید؛ زیرا یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموز از شرایط خاص جامعه نیز تأثیر می‌پذیرد؛ پس تلاش برای شناسایی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی، گامی مؤثر در راه بهبود نظام ارزشیابی دانش‌آموزان خواهد بود.

پیشنهادها

تلاش برای تقویت هوش و علاقه دانش‌آموزان با استفاده از آزمون‌های متعدد؛ تشکیل کلاس‌های جداگانه برای دانش‌آموزان با توجه به سطح هوشی آنها؛ توزیع به موقع شیر در مدارس و ایجاد محلی همانند بوفه در مدرسه به منظور رفع مشکلات تغذیه دانش‌آموزان؛ توجه به بهداشت مدارس به منظور حفظ سلامت دانش‌آموزان؛ چاره‌اندیشی در مورد تعداد زیاد دانش‌آموزان با توجه به کمبود مدارس و تک‌شیفتی بودن آنها؛ تجدید نظر در محتوای کتاب‌های درسی و تلاش برای متناسب کردن آن با نیازهای موجود در جامعه محلی؛ نهادینه کردن ارزش‌هایی همانند تلاش و شایسته‌سالاری در کلاس از طریق تشویق و ... و مذموم جلوه دادن زورگویی و طایفه‌گرایی؛ برگزاری دوره‌های آموزشی برای معلمان؛ چاره‌اندیشی در مورد دانش‌آموزان عشایری و روستایی که والدین آنها کم‌سواد یا بی‌سواد هستند یا وقت کافی برای کمک به یادگیری فرزند خود را ندارند؛ استفاده از راهکارهایی تشویقی مانند قرار دادن غرفه جایزه در محوطه یا راهرو مدرسه؛ تجدید نظر در شیوه ارزشیابی معلمان، چنانکه فقط میزان قبولی دانش‌آموزان ملاک این امر نباشد.

تحلیل دلایل پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان از دیدگاه ...

منابع و مأخذ

الف) فارسی

- بخت‌آوری، نیره (۱۳۹۳)، بررسی عوامل مؤثر بر انگیزه تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر ارومیه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- پروانه، فاطمه (۱۴۰۰)، «بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره اول متوسطه شهر قم با روش سلسله مراتبی»، پیشرفت نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال چهارم، شماره ۴۱، صص ۹۳-۱۱۰.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۸)، پیر بوردیو، ترجمه لیلا جوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نی.
- حاج‌باقری، محسن، سرور پرویزی و مهوش صلصالی (۱۳۹۴)، روش‌های تحقیق کیفی، تهران: بشری.
- خوراسگانی، علی و علی خوش‌آمدی (۱۳۸۹)، «مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی زبان پیر بوردیو»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۱۶، صص ۱۵۵-۱۸۶.
- رضایی، نیلوفر (۱۳۹۳)، رابطه کیفیت زندگی و میزان پیشرفت تحصیلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و کوروش فتحی‌واجارگا (۱۳۸۸)، «راهکارهای توسعه و به‌کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدارس»، مطالعات روانشناسی تربیتی، شماره نهم.
- شارع‌پور، محمود (۱۴۰۱)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، چ پانزدهم، تهران: سمت.
- شریف، سیدمصطفی، حسنعلی نصرآبادی و ماندانا سپینتا (۱۳۸۵)، «رابطه بین آگاهی مدیران از ناتوانی‌های ویژه یادگیری با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس ابتدایی»، دو ماهنامه دانشگاه شاهد، سال سیزدهم، دوره جدید، شماره ۱۸.
- صغری، صغری و فرامرز علی‌دادی (۱۳۹۹)، «بررسی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان»، پیشرفت‌های نوین در روانشناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش، سال سوم، شماره ۳۲.
- عارفی، مرضیه (۱۳۸۲)، «بررسی مهارت‌های زبانی - شناختی کودکان دوزبانه با زمینه‌های اقتصادی - فرهنگی متفاوت»، نوآوری آموزشی، سال دوم، صص ۵۷-۶۸.
- عسگری، محمد و فاطمه عمو عموها (۱۳۹۷)، «تأثیر سنجش کارپوشه بر انگیزش پیشرفت و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه سوم ابتدایی»، اندازه‌گیری تربیتی دانشگاه علامه، شماره ۳۲، صص ۶۳-۸۴.
- علاقه‌بند، علی (۱۳۸۸)، «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش»، تهران: روان.
- علی‌سلیمی، اسمعیل، الهه واثق و معلاه واثق (۱۳۹۶)، «حذف همخوانی پایانی در گفتار فارسی‌زبانان در مناطق تهران و شهر ری (رویکرد اجتماعی - زبانی بر اساس نظریه بازیل برنشتاین)»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم، شماره دوم، صص ۱۱۲-۱۳۵.
- کافمن، راجرز و جری هرمن (۱۳۹۳)، برنامهریزی استراتژیک در نظام آموزشی، بازاندیشی، بازسازی ساختارها، بازآفرینی، ترجمه فریده مشایخ و عباس بازرگان‌هرندی، چ ششم، تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان.
- میلز گانیه، رابرت (۱۳۹۳)، شرایط یادگیری و نظریه آموزشی، ترجمه جعفر نجفی زند و علی اکبر سیف، چ دوم، تهران: رشد.
- محدث، عادل (۱۳۹۱)، مطالعه تأثیر آزمون‌های مؤسسات آموزش آزاد علمی بر پیشرفت تحصیلی و عوامل روانشناختی مؤثر بر آن در دانش‌آموزان پسر در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور واحد ری.
- محمودی برام، موسی (۱۳۹۲)، تحلیل عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه مناطق روستایی؛ مورد: شهرستان کوهرنگ، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یاسوج.
- مؤمنی مهمویی، حسین و غلامرضا زارعیان (۱۳۸۹)، «نقش و کارکرد ارزشیابی در مراحل تدوین برنامه درسی»، راهبردهای آموزش، دوره ۳، شماره ۲.

ب) انگلیسی

- Aarefi, M. (۲۰۰۸). Investigation on linguistic-cognitive skills of bilingual children with different economical-cultural backgrounds. Quarterly journal of educational innovations. NO.۲۲, pp: ۹۰-۱۰۶.
- Acharya, N., & Joshi, S. (۲۰۲۰). Influence of parents' education on achievement motivation of adolescents. Indian Journal of Social Science Researches, ۷۹-۷۲: (۱)۶. Adolescent Psychol. ۳۱۱-۲۹۹, ۳۱.
- Rosenbaum, Emily. Rochford Jessie Anne. (۲۰۰۸). Generational patterns in academic performance: The variable effects of attitudes and social capital, Social Science Research, Volume ۳۷, Issue ۱, Pages ۳۷۲-۳۵۰.
- Farooq, M. S., Chaudhry, A. H., Shafiq, M., & Berhanu, G. (۲۰۱۱). Factors affecting students' quality of academic performance: a case of secondary school level. Journal of quality and technology management, ۱۴-۱: (۲)۷.
- Gonzalez - Piend, J.A., Nunez J.C., Gonzalez - Pumariaga, S., Alvarez, L.W., Rocas, C., & Garcia, M. (۲۰۰۲). «A structural equation model of Parental involvement motivational and attitudinal characteristic and academic achievement» The Journal of Experimental education. ۲۸۸-۷۰, ۲۵۷



- Mackie, Eilidh (۲۰۱۲), Understanding Poverty: the human development approach, E-International Relations.
- Muberra Ongor, Esin Cetinkaya Uslusoy (۲۰۲۳). The effect of multimedia-based education in e-learning on nursing students' academic success and motivation, Volume ۱۰۳۶۸۶, ۷۱, ISSN ۰۹۰۳-۱۴۷۱, <https://doi.org/10.1016/j.nepr.2023.103686>.
- SEN, A. (۱۹۹۹). Development as freedom, Oxford, Oxford University Press.
- Turney Kristin, McLanahan Sara. (۲۰۱۵). The academic consequences of early childhood problem behaviors, Social Science Research, Volume ۵۴, Pages ۱۴۵-۱۳۱.
- Xinlei Xu, Dongdong Li, Yijun Zhou, Zhe Wang (۲۰۲۲). Multi-type features separating fusion learning for Speech Emotion Recognition, Volume ۱۳۰, ISSN ۴۹۴۶-۱۵۶۸, <https://doi.org/10.1016/j.asoc.2022.109648>.
- Yangin Ersanl, C. (۲۰۱۹). The relationship between children' academic selfefficacy and language learning motivation: a study of ۸th graders. Journal of Social and behavioral Science, ۴۷۸-۴۷۲, ۱۹۹.

